



مرکز مدیریت حوزه علمیه خراسان
مدرسه علمیه زهراى اطهر علیها السلام
شهرستان مشهد
مقاله تحقیق پایانی سطح دو (کارشناسی)

سلام و اثرات فردی و اجتماعی آن

از دیدگاه آیات و روایات

استاد راهنما:

سرکار خانم طیب زاده

استاد داور:

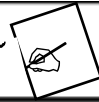
سرکار خانم نوعی

پژوهشگر:

وجیهه بخشی فرزقی

تاریخ دفاع:

پاییز ۱۳۹۷



چکیده

پژوهش حاضر به بررسی سلام و اثرات فردی و اجتماعی آن از دیدگاه آیات و روایات پرداخته است.

اسلام که کامل‌ترین دین الهی است، برای رشد بشر دستورات فردی و اجتماعی ارائه کرده است که یکی از آن‌ها «سلام کردن» می‌باشد.

در زندگی اجتماعی یکی از نشانه‌های یک شخصیت سالم از نظر روانی این است که بتواند با دیگران ارتباط درست و سالم برقرار کند، که شروع آن ارتباط سلام کردن است. سلام نکردن در جوامع امروزی باعث کم‌رنگ شدن روابط اجتماعی و محروم شدن از اثرات معنوی و اخروی آن شده است.

هدف از این تحقیق، آشنایی بیش‌تر با اهمیت سلام و اثرات آن می‌باشد. فصول این تحقیق عبارتند از:

۱. سلام از منظر لغت و اصطلاح و تاریخچه آن؛ ۲. سلام کردن خدا و فرشتگان به پیامبران و ائمه علیهم‌السلام و اهل بهشت؛ ۳. آداب و احکام سلام؛ ۴. اثرات آن در زندگی فردی و اجتماعی که تا حد امکان به آن پرداخته شده است.

نتیجه تحقیق: اسلام به سلام کردن اهمیت فراوان داده و آداب و احکام خاص برای آن ارائه کرده و آثار فردی و اجتماعی بر آن مترتب است.

روش تحقیق توصیفی است و روش گردآوری مطالب کتابخانه‌ای است. کلید واژگان: سلام، درود، تحیت.



فهرست مطالب

صفحات	عناوین
۱.....	مقدمه.....
۲.....	مفهوم شناسی سلام.....
۲.....	مشتقات سلام.....
۲.....	الفاظ مشابه سلام.....
۲.....	سلام، از نام‌های خداوند.....
۳.....	تفسیر «سلام علیکم».....
۳.....	فرق بین «سلام» و «تحیت».....
۳.....	تاریخچه سلام.....
۴.....	سلام کردن حیوانات و جمادات و.....
۴.....	اهمیت سلام در قرآن.....
۵.....	سلام در روایات.....
۵.....	آداب سلام.....
۵.....	احکام سلام.....
۵.....	آثار سلام در زندگی فردی.....
۶.....	آثار سلام در زندگی اجتماعی.....
۷.....	نتیجه‌گیری.....
۸.....	پی نوشت.....





مقدمه

رسول گرامی اسلام ﷺ می‌فرمایند:

«الْمَلَائِكَةُ تَعْجَبُ مِنَ الْمُسْلِمِ يَمُرُّ عَلَى الْمُسْلِمِ فَلَا يَسْلَمُ عَلَيْهِ؛ هنگامی که مسلمانی از کنار

مسلمانی بگذرد و بر او سلام نکند، فرشتگان در شگفت می‌شوند».

سعادت فردی، اجتماعی، دنیوی و اخروی انسان در گرو تخلق به فضیلت‌های انسانی و پاک بودن نفس از رذیلت‌های اخلاقی است. ملکات نفسانی انسان و تزکیه و تهذیب نفس در پرتو اخلاق شکل می‌گیرد.

در علم اخلاق مباحثی تحت عنوان کوچک‌های بزرگ وجود دارد که از در این مبحث مسایل و مطالبی بحث می‌شود که به ظاهر پیش پا افتاده و ناچیز به نظر می‌آیند، اما رعایت و مواظبت بر آنها تأثیر عمیق و گسترده در زندگی انسان دارد.

یکی از همین کوچک‌های بزرگ، سلام کردن است که به ظاهر خرد و ناچیز است، اما رعایت آن تأثیرات بی‌شماری در زندگی فردی و اجتماعی انسان دارد.

در زندگی اجتماعی، یکی از نشانه‌های یک شخصیت سالم از نظر روانی، این است که بتواند با دیگران ارتباط درست و سالم برقرار کند که شروع آن ارتباط سلام کردن است.

این مقاله به مباحثی همچون معناشناسی سلام از نظر لغت و اصطلاح، مشتقات و تاریخچه آن، سلام کردن خداوند و فرشتگان بر پیامبران و ائمه علیهم‌السلام و اهل بهشت از منظر آیات و روایات، آداب اجتماعی سلام از منظرهای مختلف و احکام سلام در هنگام ملاقات با دیگران و در هنگام نماز، اثرات فردی سلام مانند تکبر زدایی، تواضع و فروتنی، نجات دهنده انسان، آمرزش گناهان و... و اثرات اجتماعی آن که جزئی از حقوق مسلمانی است و موجب تحکیم بخشیدن به پیوندهای اجتماعی و افزایش محبت و دوستی و... می‌شود، پرداخته است.



مفهوم شناسی سلام

سلام در لغت به معنای بی عیب و سالم بودن، پاکی از هر عیب و آفت می‌باشد.^۱ گاهی نیز به معنی تسلیم شدن، درود، فرمانبردار و مطیع شدن آمده است.^۲ در فرهنگ معین، از سلام معانی دیگری هم به کار رفته است، از جمله: گردن نهادن، مراسمی که در عیدها در پیشگاه شاه یا رئیس مملکت برقرار شود، احترام نظامی که هر فرد سیاسی نسبت به مافوق خود انجام دهد، ذکر است که نمازگزار در آخرین رکعت نماز گوید و با آن نماز تمام شود.^۳

و در اصطلاح سلام همان درود و تحیت به کلام یا اشاره یا کنایه یا نوشتنی بیان می‌گردد، و کسی که «سلام علیک» یا «السلام علیکم» بگوید، یعنی خداوند مهربان و حافظ، نگهدارنده سلامتی از آفات دینی و عقلی و نفسی و جانی و عرفی و ناموسی و جسمی و مالی و مقامی و اهل و عیال و فرزندان شما و بستگان باشد.^۴

مشتقات سلام

اسلام (تسلیم بی قید و شرط شدن، گردن نهادن، انقیاد)،^۵ ۲. تسلیم (تسلیم شدن بدون قید و شرط در جنگ)،^۶ ۳. السلامه: سالم و بی عیب و بی آفت بودن،^۷ بی گزند شدن، عافیت، تندرستی،^۸ ۴. سلامتی: عافیت و تندرستی،^۹ ۵. سَلِمَ: ضد خصومت و به معنای شدت و موافقتی است که هیچ گونه خلاف و نزاعی در بین نباشد. انقیاد صلح، رضا و امثال آن از لوازم این معناست.^{۱۰}

الفاظ مشابه سلام

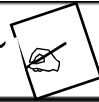
۱. التَّحِيَّةُ: حیا، سلام و درود، بقاء، آسایش، امنیت،^{۱۱} ۲. درود: تحیت، سلام، تهنیت، آفرین،^{۱۲} دعا، ثنا، نیایش، رحمت.^{۱۳}

سلام از نام‌های خداوند

نووی در کتاب تهذیب الاسماء و اللغات^{۱۴} به نقل از امام الحرمین در کتاب الارشاد می‌گوید: در سلام که اسمی از اسماء خداوند متعال است، سه قول است:

۱. به معنای: ذُو السَّلامَةِ من کل آفة و نقیصة؛ خداوند سالم است از هر آفت و نقصی. بنابراین از

اسماء تنزیهیه خداست.



۲. به معنای مالک تسلیم بندگان و سالم نگه داشتن آن‌ها از مهالک. بنابراین به قدرت خدا رجوع می‌کنند.

۳. به معنای: ذو السلام علی المؤمنین فی الجنان؛ که خداوند سلام است، چون بر مؤمنین در بهشت سلام می‌کند. بنابراین به کلام قدیم و قول ازلی بر می‌گردد.^{۱۵}

تفسیر «سلام علیکم»

از فضل بن عباس نقل شده می‌گوید: رسول الله ﷺ فرمود: ای فضل! آیا تفسیر «السلام علیکم» را می‌دانی؟ هنگامی که مردی به دیگری بگوید: «السلام علیکم ورحمة الله»، یعنی بر من است پیمان و عهد خداوندی که تو را غیبت نکنم و سخنان را به ضرر و زیانت عیب ننمایم و خواستار بدی و بیچارگی و ذلت تو نباشم، و زمانی که جواب سلامت را بدهد به «علیکم السلام ورحمة الله و برکاته» همان گفتار را متقابلاً نسبت به تو می‌رساند، و خداوند رحمان و رحیم بر آن چه می‌گویند، شاهد و ناظر است.^{۱۶}

فرق بین «سلام» و «تحیت»

ابوهلال عسکری در کتاب «الفروق اللغویه» می‌گوید: فرق بین سلام و تحیت این است که معنای تحیت، اعم است (یعنی هم شامل سلام است و هم تحیت).

ابوهلال قائل است به این که سلام به «سلام علیک» گفته می‌شود و سلام در غیر این صورت به معنی سلامت است، مثل ضلال و ضلاله و جلال و جلاله و از سلام است کلمه «دارالسلام»، یعنی خانه سلامت. و گفته شده دارالسلام، یعنی خانه خداوند تبارک و تعالی، و سلام نامی از نام‌های خداوند است، و نیز تحیت به معنای ملک است و جمله «التحیات لله»، یعنی املاک از آن خداوند و مال او می‌باشد.^{۱۷}

ابوالهیثم می‌گوید: فرقی بین سلام و تحیت نیست و هر دو به معنای سلامتی از تمام بدی‌ها و آفات‌اند.^{۱۸}

تاریخچه سلام

۱. سلام کردن اولین روح به پیامبر ۲، هنگام خلقت آدم ﷺ، ۳. سلام در عصر حضرت موسی ﷺ (سرزمینی که در آن سلام نبود)، ۴. در میان ملل مختلف جهان.



سلام کردن حیوانات و جمادات و...

آیا سخن گفتن حیوانات و جمادات محال است؟

خداوند متعال در قرآن مجید می‌فرماید:

«ما در روز قیامت به آن‌هایی که کارهای خلاف شرع انجام می‌دهند، به عنوان شاهد و مدرک از اعضای بدنشان دلیل علیه آنان اقامه می‌کنیم. آنان به اعضایشان گویند: چرا به زیان ما شهادت دادید؟ در جوابشان گویند: ما را خداوندی که هر چیز را به سخن آورد، به نطق آورده است، و او اول آفریننده شماس است و به سوی او بازگشت می‌نماید».

﴿وَقَالُوا لَجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ

تُرْجَعُونَ﴾^{۱۹}

حال که دانسته شد خداوند قادر متعال هر کاری را بخواهد به محض اراده انجام می‌شود، به دلیل آیه مبارکه ﴿إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾^{۲۰} پس به سخن آوردن حیوانات و جمادات و درختان که تابع محض اویند، برای حضرتش بسیار سهل و آسان است.^{۲۱}

مواردی از سلام کردن جمادات: ۱. سلام سنگ‌ها بر پیامبر ﷺ در ابتدای رسالت،^{۲۲} ۲. سلام جمادات روستای عقبه به امیرمؤمنان (علیه السلام)،^{۲۳} ۳. سلام کردن شیر به امام علی (علیه السلام).^{۲۴}

اهمیت سلام در قرآن

در قرآن کریم در برخی موارد واژه سلام با کلماتی که معنای امنیت دارد، همراه است که این تقارن لفظی، خود قرینه تقارن مفهومی سلام و امنیت است. مانند: ﴿هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ﴾^{۲۵}

خداوند در این آیه، از میان اسماء الهی «السلام» و «المؤمن» را که به معنای امنیت دهنده‌اند، در کنار هم آورده است که نشانه نزدیکی این دو اسم خداوند هستند. کسی که بینش توحیدی دارد و در همه حال متوجه خداست، هنگامی که سلام می‌کند، در واقع به مخاطب خود دعا می‌کند و از خدا می‌خواهد که برای مخاطبش سلامت ایجاد کند و او را از خطرهای حفظ کند که در این صورت سلام هم ادای احترام است و هم دعا.^{۲۶}

مواردی از سلام در قرآن کریم که می‌توان به آن‌ها اشاره کرد:

سلام خداوند بر عموم پیامبران،^{۲۷} سلام خدا بر پیروان هدایت،^{۲۸} سلام مستقیم خدا بر نوح،^{۲۹}



سلام خدا بر یحیی علیه السلام به خاطر اوصاف برجسته‌اش،^{۳۰} سلام خدا و ملائکه بر پیامبر صلی الله علیه و آله،^{۳۱} سلام بر بندگان برگزیده،^{۳۲} انواع سلام‌هایی که نثار بهشتیان می‌شود.^{۳۳}

سلام در روایات

نمونه‌هایی از سلام که در روایات نام برده شده عبارتند از: سلام خداوند به یوسف علیه السلام،^{۳۴} سلام خداوند بر اسماعیل علیه السلام،^{۳۵} سلام خدای متعال به رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله،^{۳۶} سلام خداوند توسط جبرئیل به فاطمه علیها السلام،^{۳۷} سلام خدا بر خدیجه علیها السلام،^{۳۸} سلام خداوند به حواری پیامبر،^{۳۹} سلام خداوند به امیرالمؤمنین علیه السلام.^{۴۰}

آداب سلام

سلام کردن مانند هر سنت اسلامی دارای آدابی است که رعایت آن‌ها تأثیر آن‌ها را بیش‌تر می‌کند. برخی از آن‌ها عبارتند از: پیشی گرفتن سلام،^{۴۱} سلام کوچک‌تر به بزرگ‌تر،^{۴۲} افشای سلام،^{۴۳} سلام کردن با صدای بلند،^{۴۴} پاسخ شایسته،^{۴۵} سفارش لقمان حکیم به سلام،^{۴۶} تساوی در سلام،^{۴۷} پرهیز از افراط و تفریط،^{۴۸} دست دادن و مصافحه کردن،^{۴۹} خوش‌رویی و تبسم،^{۵۰} سلام تحیت: وجوب جواب سلام،^{۵۱} سلام استیزان و استیناس (اجازه خواستن)،^{۵۲} سلام وداع (خداحافظی) یا پایانی،^{۵۳} سلام پایان،^{۵۴} سلام سفارشی.^{۵۵}

احکام سلام

۱. مستحبی که بر واجب برتری دارد،^{۵۶} ۲. جواب سلام، واجب است^{۵۷} مانند وجوب سلام دادن نمازگزار به سلام دهنده،^{۵۸} ۳. سلام‌های ممنوع مانند سلام به یهودی و نصرانی،^{۵۹} آتش پرست و بت پرست،^{۶۰} کسانی که در سفره شراب نشسته‌اند،^{۶۱} به خنثی سلام نکنید، شاعری که با اشعار زشتش به زنان صاحب شوهر نسبت‌های ناروا می‌دهد،^{۶۲} به رباخوار سلام ندهید،^{۶۳} به کسی که در (مستراح) سرویس بهداشتی نشسته، به کسی که در حمام مشغول نظافت است، به فاسقی که آشکارا و بی‌پروا مرتکب فسق می‌شود.^{۶۴}



آثار سلام در زندگی فردی

سلام کردن در زندگی فردی آثار فراوانی دارد از جمله: ۱. تکبرزدایی،^{۶۵} ۲. سلام نشانه تواضع و فروتنی،^{۶۶} ۳. نجات دهنده انسان،^{۶۷} ۴. آمرزش گناهان،^{۶۸} ۵. سلام کردن طول عمر می آورد،^{۶۹} ۶. کامل کننده ایمان فرد مسلمان،^{۷۰} ۷. سلام موجب سعه رحمت خدا.^{۷۱}

آثار سلام در زندگی اجتماعی

برخی آثار اجتماعی سلام کردن عبارتند از: ۱. تحکیم بخش پیوندهای اجتماعی،^{۷۲} ۲. سلام عامل ارتباط در اسلام،^{۷۳} ۳. افشای سلام، ۴. سلام جزئی از حقوق مسلمانی،^{۷۴} ۵. سلام، محبت و دوستی را زیاد می کند،^{۷۵} ۶. اثر روانی سلام به کودکان.^{۷۶}



نتیجه‌گیری

دین اسلام سفارش زیادی به سلام کرده که آیات فراوانی به آن پرداخته شده است، از جمله: سلام خداوند و ملائکه به پیامبران و ائمه علیهم‌السلام و اهل بهشت و روایات زیادی که آن را امر مستحبی دانسته است، به حدی که پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرمایند: نزدیک‌ترین مردم به خداوند و رسولش کسی است که آغاز به سلام کند.

پس هر چه قدر که به سلام دادن و سبقت گرفتن در سلام از سوی خدای سبحان و حضرات معصومین علیهم‌السلام تأکید شده، به همان نسبت، تعلل و کوتاهی نمودن در سلام دادن نهی شده است. در جامعه اسلامی سلام کردن دارای احکام و آداب خاصی مثل: افشای سلام، تساوی در سلام، پاسخ شایسته به سلام و... می‌باشد که علاوه بر اثرات فردی مثل: تکبر زدایی، تواضع و فروتنی، آمرزش گناهان و...، اثرات اجتماعی همچون افزایش محبت و دوستی، تحکیم بخش پیوندهای اجتماعی و... دارد.



پی نوشت

۱. مصطفی، حسینی دشتی، معارف و معاریف، تهران، مؤسسه فرهنگی آیه، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۷۳۲.
۲. لوییس معطوف، فرهنگ المنجد، مترجم: محمد بندر ریگی، بی جا، انتشارات ایران، چاپ چهارم، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۷۶۷.
۳. محمد، معین، فرهنگ فارسی معین، بی جا، انتشارات گلی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۴۹۳.
۴. بطرس، البستانی، دائرة المعارف، لبنان، دارالمعرفه، بی تا، ج ۹، ص ۶۷۸.
۵. مصطفی، حسینی دشتی، معارف و معاریف، ج ۱، ص ۷۶۸.
۶. لوییس، معطوف، فرهنگ المنجد، مترجم: محمد بندر ریگی، ج ۱، ص ۷۶۸.
۷. همان، ص ۷۶۷.
۸. مصطفی، حسینی دشتی، معارف و معاریف، ج ۳، ص ۷۳۴.
۹. همان، ص ۷۳۳.
۱۰. حسن، مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، مرکز نشر آثار علامه المصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۵، ص ۲۹۹.
۱۱. مسعود جبران، الرائد، مترجم: رضا انزابی نژاد، مشهد، آستان قدس رضوی، چاپ دوم، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۴۲۲.
۱۲. همان، ج ۳، ص ۲۷۲.
۱۳. حسن، عمید، فرهنگ فارسی عمید، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۵۹۵.
۱۴. یحیی بن شرف، النووی، تهذیب الاسماء و اللغات، لبنان، دارالکتب العلمیه، ۲۰۰۷م، ج ۲، ص ۳۹۸.
۱۵. همان، ص ۳۹۹.
۱۶. علی بن حسن، طبرسی، مشکاه الانوار، مترجم: عزیز الله عطاردی، تجریش، عطارد، ۱۳۷۴، ص ۱۸۷.
۱۷. أبی هلال، العسکری، فروق اللغویه، قاهره، مکتبه القدسی، ۱۳۵۳، ج ۱، ص ۴۴.
۱۸. ابن منظور، لسان العرب، مصر، مکتبه التوفیقیه، بی تا، جزء ۶، ص ۳۸۷ (ماده سلم).
۱۹. فصلت، ۲۱.
۲۰. یس، ۸۲.
۲۱. محمود، ارگانی حائری، سلام در اسلام، قم، ناشر: مؤلف، بی تا، ج ۲، ص ۳۸.
۲۲. هاشم بن سلیمان، بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۶۹۶.
۲۳. هاشم بن سلیمان، بحرانی، مدینه المعاجز، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۴۱۶؛ محمد باقر بن محمد تقی، مجلسی، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق، ج ۱۷، ص ۳۷۱، ج ۲۳.
۲۴. هاشم بن سلیمان، بحرانی، مدینه المعاجزه، سید غریب عساکره مجد، قم، ارمغان یوسف، چاپ دوم، ۱۳۸۶، ص ۱۲۳.
۲۵. حشر، ۲۳.



۲۶. ر.ک: محمد تقی، مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ دوم، ۱۳۸۰، ج ۳، صص ۲۵۵-۲۵۷.
۲۷. صافات، ۱۸۱.
۲۸. طه، ۴۲.
۲۹. صافات، ۷۹.
۳۰. مریم، ۱۵.
۳۱. احزاب، ۵۶.
۳۲. نمل، ۵۹.
۳۳. نحل، ۳۲؛ رعد: ۲۴؛ اعراف: ۴۶؛ ابراهیم: ۲۳، واقعه: ۲۶.
۳۴. محمد باقر بن محمد تقی، مجلسی، بحارالانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۲۸، ج ۷.
۳۵. همان، ج ۱۳، ص ۳۸۹.
۳۶. محمد بن محمد، شعیری، جامع الاخبار، نجف، مطبعة الحیدریه، بی تا، ج ۱، فصل ۲۸، ص ۶۱.
۳۷. نورالله، حسینی مرعشی، احقاق الحق و ازهاق باطل، قم، منشورات مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، بی تا، ج ۱۰، ص ۱۳۴.
۳۸. محمد باقر بن محمد تقی، مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۷، ج ۱۱.
۳۹. همان، ج ۳۶، ص ۳۰۹، ج ۱۴۹.
۴۰. نورالله، حسینی مرعشی، احقاق الحق و ازهاق الباطل، جزء ۶، صص ۹۱-۹۰؛ محمد باقر بن محمد تقی، مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۸، ص ۱۰۰، ج ۲۰.
۴۱. حسین بن محمد تقی، نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸ق، ج ۸، ص ۳۵۸، باب ۳۱، ج ۹۶۵۹، به نقل از تحف العقول، ص ۱۷۵؛ محمد باقر بن محمد تقی، مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۴۶؛ حسن بن علی، ابن شعبه حرانی، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۸۲.
۴۲. محمد بن یعقوب، کلینی، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۶۴.
۴۳. محمد باقر بن محمد تقی، مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۱۲.
۴۴. محمد بن یعقوب، کلینی، اصول کافی، مترجم: محمد باقر، کمره‌ای، قم، انتشارات اسوه، چاپ ششم، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۶۴۵، ج ۷.
۴۵. نساء، ۸۶.
۴۶. أبی القاسم محمد بن عمر، زمخشری، ربیع الابرار و نصوص الاخبار، بیروت، مؤسسه العلمی للمطبوعات، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۴۳۲.
۴۷. محمد، مقدس نیا و محمد محمدی، آداب معاشرت، قم، پیک جلال، چاپ دوم، ۱۳۷۹، ص ۷۲.
۴۸. عبدالحمید، ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، قم، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰، ص ۳۱۵.
- ج ۶۱۷.
۴۹. جواد، محدثی، اخلاق معاشرت، ص ۳۵.
۵۰. محمد بن یعقوب، کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۸۸.



۵۱. جمال، بهادر، سلام در قرآن و اقوال ائمه علیهم السلام، اردبیل، نسیم سبلان، ۱۳۸۹، ص ۱۰۴.
۵۲. نور، ۲۸-۲۷.
۵۳. محمود، ارگانی حائری، سلام در اسلام، ج ۲، ص ۱۱۸؛ حسین بن محمد تقی، نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۸، ص ۳۷۸، ح ۱، رقم ۹۷۲۶.
۵۴. محمود، ارگانی حائری، سلام در اسلام، ج ۲، ص ۱۳۷.
۵۵. کمال الدین، اعتماد شفیع، بحثی پیرامون سلام، همدان، برکت کوثر، ۱۳۸۹، ص ۱۷۲.
۵۶. یوسف، بحرانی، الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره، قم، جماعه المدرسين فی الحوزه العلمیه فی قم المقدسه، بی تا، ج ۹، ص ۸۰، مسئله ۸؛ محمد، محمدی ری شهری، منتخب میزان الحکمه، مترجم: حمید رضا شیخی، قم، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، چاپ ششم، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۵۰۹، ح ۹۶۴.
۵۷. احمد بن محمد، اردبیلی، زبده البیان فی احکام القرآن، مترجم: جعفر سبحانی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی عطائی، ۱۳۶۲، ص ۱۱۳.
۵۸. عبدالله، جوادی آملی، تفسیر تسنیم، قم، اسراء، ۱۳۸۹، ج ۲۰، ص ۶۲ (به نقل از جواهر الکلام، ج ۱۱، ص ۱۰۰).
۵۹. محمد بن علی، ابن بابویه، الخصال، مترجم: محمد باقر کمره‌ای، تهران، کتابچی، چاپ دهم، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۴۸۴.
۶۰. کمال الدین، اعتماد شفیع، بحثی پیرامون سلام، ص ۲۳۳.
۶۱. محمد باقر بن محمد تقی، مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۱۵۱.
۶۲. کمال الدین، اعتماد شفیع، بحثی پیرامون سلام، ص ۲۳۵.
۶۳. بقره، ۲۷۹-۲۷۸.
۶۴. کمال الدین، اعتماد شفیع، بحثی پیرامون سلام، ص ۲۳۷.
۶۵. ابوالقاسم، پاینده، نهج الفصاحه، تهران، دنیای دانش، چاپ چهارم، ۱۳۸۲، ص ۳۷۵، ح ۱۱۰۲.
۶۶. جمال، بهادر، سلام در قرآن و اقوال ائمه علیهم السلام، ص ۷۰.
۶۷. حسن بن فضل، طبرسی، مکارم الاخلاق، مترجم: ابراهیم میرباقری، ج ۱، ص ۱۳۴.
۶۸. محمد باقر بن محمد تقی، مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۱۱.
۶۹. فتح الله، کاشانی، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران، کتاب فروشی محمد حسن علمی، چاپ سوم، ۱۳۶۶، ج ۶، ص ۳۲۴.
۷۰. ابوالقاسم، پاینده، نهج الفصاحه، ج ۱، ص ۶۸۲.
۷۱. انعام، ۵۴.
۷۲. عبدالله، جوادی آملی، ادب فنای مقربان، قم، اسراء، چاپ هفتم، ۱۳۸۹، ص ۱۰۲.
۷۳. حشر، ۲۳.
۷۴. احمد، محمدی، سلام در فرهنگ اسلام، قم، لؤلؤ مرجان، ۱۳۹۶، صص ۱۲۹-۱۲۸.
۷۵. ابوالقاسم، پاینده، نهج الفصاحه، ص ۴۳۶، ح ۱۲۹۳.
۷۶. محمد بن علی، ابن بابویه، الخصال، مترجم: محمد باقر کمره‌ای، تهران، کتابچی، چاپ دهم، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۷۲، ح ۱۳.